

بررسی وضعیت و دستاوردهای زنان در فاز اول پروژه مدیریت آب و خاک حبله رود

فاطمه مافی^۱

چکیده

روند رو به تزاید تخریب در حوزه‌های آبخیز، تجربه‌های ناموفق در امر حفاظت منابع و هزینه‌های نگهداری بالای برخی پروژه‌ها و ... نشان از پنهان ماندن و نادیده گرفتن برخی از عوامل توسط کارشناسان می‌داد. با تکیه بر تجربیات گذشته، پروژه ملی حبله رود سعی نمود تا حد ممکن عوامل مختلف در طراحی و اجرای طرح‌ها را مد نظر قرار دهد. یکی از مهمترین این عوامل نقش بهره‌برداران و جوامع محلی و غیر فعال بودن حدود نیمی از ساکنین حوزه در عرصه‌ها بود که سعی گردید از همان ابتدای کار در تمامی مراحل از جمله نیازسنجی و مشکل‌یابی، اولویت‌بندی مشکلات، طرح‌نویسی و ... و بالاخره نگهداری و حفاظت از پروژه‌ها به عنوان محور مورد توجه قرار گیرند. گرچه در حال حاضر این پروژه با مشکلات زیادی روبرو بوده و هنوز نیز با آن دست و پنجه نرم می‌کند اما نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که دخالت مستقیم جوامع محلی در تصمیم‌گیریها و در خصوص نیازهای خود و برنامه‌ریزی و اجرای آن با مشارکت آبخیزنشینان بخصوص زنان و دختران باعث می‌گردد نه تنها هزینه‌های اجرا کاهش یابد بلکه نگهداری پروژه‌ها نیز تا حد زیادی تضمین شده و امکان حفظ منابع موجود در حوزه‌ها بر مبنای پایداری فراهم گردد.

واژه های کلیدی : مشارکت ، PRA ، زنان

^۱-کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و کارشناس پروژه حبله رود

مقدمه

تحقق مشارکت نهادینه مردمی برای تضمین موفقیت پروژه‌های عمرانی و برنامه‌های توسعه از چالش‌های سالهای اخیر در کشور است. اینکه چه بستری بایستی مهیا شود و چه مکانیزم و الگویی به کار بسته شود و براساس چه نگرشی حرکت شود تا زمینه‌های ایجاد مشارکت نهادینه مردم در فرآیند توسعه مناطق روستایی مهیا گردد پرسشی است که پاسخ به آن آسان نیست.

مناطق روستایی کشورمان با سه مشکل عدیده فقر، نبود مدیریت و عدم مشارکت روبرو هستند که فرآیند توسعه پایدار در این مناطق را با مانع روبرو ساخته و اجرای برنامه ساماندهی توسعه و تولید در این مناطق را از رسیدن به هدف نهایی خویش محروم می‌کند. این مسئله در فعالیتهای آبخیزداری نیز کاملاً مشهود است و عدم مشارکت مردم به شکل مشارکت نهادینه در عملیات آبخیزداری یکی از مسایل و مشکلات آبخیزداری کشور محسوب می‌شود. بنابراین لازم و ضروری است که در جهت حفاظت و نگهداری از عرصه‌های آبخیز بتوانیم مشارکت نهادینه مردم در برنامه‌ریزی و اجرای این عملیات را داشته باشیم. براین اساس تصمیم گرفته شد تا با طراحی پروژه‌ای امکان رسیدن به توسعه پایدار روستایی با ایجاد مدیریت جامع در عرصه آبخیز و از طریق مشارکت مردمی مورد آزمون قرار گیرد.

همانگونه که می‌دانیم در عرصه بین‌المللی تا دهه ۱۹۵۰ اکثر کشورهای جهان به دنبال دستیابی به رشد بودند و در واقع رشد و توسعه معادل یکدیگر قرار می‌گرفت. در این مفهوم فقط ارتقاء کمی در جامعه دنبال می‌شد. بدیهی است که این دیدگاه نمی‌توانست به نظام بخشی مطلوب جامعه منجر شود و ارتقاء کیفیت در جامعه به فراموشی سپرده می‌شد به دنبال این مشکل مفهوم رشد جای خود را به مفهوم توسعه داد به این معنی که افزایش کمی و کیفی هر دو مد نظر دست‌اندرکاران توسعه گرفت از دهه ۱۹۷۰ به بعد در نتیجه دنبال کردن توسعه جوامع به این رسیدند که رسیدن به توسعه به تنهایی کافی نیست و بایستی توسعه پایدار باشد (Sustainable Development) به این مفهوم که از منابع به گونه‌ای استفاده شود که آینده نسل‌های بعد به خطر نیفتد. بنابراین رسیدن به توسعه پایدار الگوی کشورهای جهان شد. در دهه ۱۹۹۰ R. P. Mira دیدگاه جدیدی را در مقوله توسعه پایدار مطرح ساخت و آن الگوی توسعه پایدار انسانی بود. یعنی توسعه پایداری که در بطن خود عدالت اجتماعی را داشته باشد و همه آحاد جامعه براساس لیاقت خویش بتوانند پیشرفت نمایند و تمام عناصر و عوامل هر محیط و فضای جغرافیایی در فرآیند توسعه عادلانه لحاظ شود و به توسعه برسد.

اما در خصوص مقوله مشارکت لازم به ذکر است که در ابتدا مشارکت با دیدگاه مشارکت ابزاری دنبال می‌شد، مشارکت مردم به صورت خودیاری، کار کارگری و ... هدف تحقق مشارکت بود. در حالی که مشارکت در مفهوم پایه‌ای خویش مشارکت از نوع نهادینه و طی فرآیندی مستمر بوجود می‌آید. یعنی مشارکت جامعه روستایی از مرحله اعلام نیاز تا حفاظت و نگهداری پروژه بایستی به صورت مستمر و دائم و به شکل نهادینه وجود داشته باشد. از این نوع مشارکت به عنوان توسعه مشارکتی (Participatory Development) یاد می‌شود. تا قبل از دهه ۱۹۸۰ برنامه توسعه روستایی بر مبنای استفاده از نظرات افراد متخصص به عنوان تصمیم‌گیر و طراح الگوی توسعه در جوامع روستایی انجام می‌گرفت. براین اساس این افراد بودند که مسایل و مشکلات جوامع محلی را بهتر از ساکنین (مردم) می‌دانستند و راه حل مشکل را نیز خود پیدا می‌کردند. ناکارآمدی این دیدگاه و روش بود که منجر به اتخاذ دیدگاه مشارکت توسعه‌ای (پایدار) در فرآیند توسعه روستایی گردید. این رهیافت رهیافتی مردم‌مدار است و نقش جوامع محلی در فرآیند توسعه پایدار عامل تعیین کننده به شمار می‌رود. مهمترین اصول این رهیافت عبارتند از:

- ۱- هیچ فرد یا گروهی نباید از برنامه‌ها و فعالیتهای مشارکت مدارانه کنار گذاشته شود.
- ۲- ایجاد و تقویت نهادها و ساختارهای محلی شرط لازم برای موفقیت برنامه‌های مشارکت مدارانه است.
- ۳- محترم شمردن حقوق زنان یکی از مشخصه‌های اصلی رهیافت مذکور است.
- ۴- فرآیند مشارکت توسعه‌ای تغییر را طلب می‌کند و تحول را بدور از برخوردهای خشونت بار دنبال می‌نماید.
- ۵- پیشبرد برنامه‌های مشارکت تنها با اجرای اصلاحات نهادین و ساختاری در جامعه ملی منطقه‌ای و توانمندسازی جامعه محلی امکان‌پذیر است.
- ۶- پیگیری فعالیتهای مشارکت مدارانه به برنامه‌ریزی جامع و از پیش اندیشه شده نیاز دارد.
- ۷- کارمندان و کارشناسان سازمانها و وزارتخانه‌های دولتی بایستی خود را با رهیافت مشارکت تطبیق دهند.
- ۸- توانمندسازی جوامع محلی، تغییر نگرش، اتکاء بر آحاد مردم اعم از زن و مرد از جمله اصول اساسی این دیدگاه است.

براین اساس پروژه حبله رود براساس محوریت مشارکت و توسعه پایدار انسانی به منظور دستیابی به الگویی برای نظام بخشی به بهره برداری از عرصه های آبخیز طراحی و تعریف گردید و مقرر شد تا در پایلوت اجرائی دو فرضیه اساسی به آزمون گذاشته شود:

- امکان جلب مشارکت نهادینه مردم در حفاظت از منابع آب و خاک
- رسیدن به هماهنگی بین بخشی و بین سازمان های متولی در این ارتباط

مشخصات عمومی پروژه ملی حبله رود

حوزه آبخیز حبله رود با ۱/۱۶۰/۰۰۰ هکتار در محدوده جغرافیایی ۴۰ و ۵۱ تا ۵۳ و ۲۵ و ۳۴ تا ۳۶ عرض شمالی در استانهای تهران و سمنان واقع شده است. منطقه شامل ۲۲ دهستان و حدود ۷۰۰ پارچه آبادی بوده و حدود یک چهارم اراضی آن کوهستانی با ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر و اقلیم نیمه مرطوب است. حدود یک چهارم اراضی، مارنی با اقلیم نیمه خشک و کمتر از نیمی از آن اراضی بیابانی با اقلیم فراخشک و کمتر از ۱۰۰ هزار هکتار آبرفت با اقلیم خشک می باشد.

باتوجه به این ویژگیها پروژه ملی حبله رود مشتمل بر پروژه آبخیزداری و همراه با دو پروژه بیابانزدایی و مدیریت آبیاری از اجزاء یک برنامه با عنوان "برنامه اقدام ملی مدیریت پایدار منابع آب و زمین" شکل گرفت.

در این برنامه اقدام ملی مطالعه، برنامه ریزی و اجرا پروژهها تحت یک برنامه مدون به صورت هماهنگ و همسو پیش بینی شد و به منظور اعمال وحدت رویه، کل حوزه آبخیز به سه بخش تقسیم و هر قسمت در قالب یک پروژه مدیریت گردید. قسمت شمالی حوزه در محدوده شهرستانهای دماوند و فیروزکوه توسط مدیر پروژه آبخیزداری و همکاری مدیران دو پروژه دیگر مدیریت می گردد.

اهداف پروژه ملی حبله رود

اهداف پروژه ملی حبله رود در دو فاز طراحی گردید. اهداف نهایی و اهداف خاص.

اهداف نهایی عبارت بودند از:

- بهبود مطلوب و چشمگیر در زندگی، معیشت و رفاه ساکنان وابسته به منابع طبیعی
- حوزه آبخیز حبله رود باتوجه به بهره برداری پایدار از منابع آب و خاک

- دستیابی به الگوی مناسبی برای مدیریت یکپارچه و مشارکت مدارانه منابع آب و خاک و توسعه اقتصادی - اجتماعی که با تغییرت لازم در دیگر نقاط کشور به کار رود و به گونه‌ای موثر موفقیت برنامه اقدام ملی را تسهیل نماید.

اهداف خاص عبارت بودند از :

- تهیه برنامه مشارکت مدارانه و یکپارچه مدیریت منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله‌رود
- بهسازی چشمگیر توانمندی جامعه محلی و نهادها برای سازماندهی نظام‌های کارآمد تولید و بهره‌برداری از منابع آب و خاک
- اشاعه موفقیت‌آمیز رهیافت مشارکت مدارانه در تمام سطوح، با توجه خاص به شرکت فعالانه زنان و جوانان و گروه‌های حاشیه‌ای نظیر کسانی که مالکیت بر زمین، آب و یا فن‌آوری ندارند.
- تمرکززدایی و اعتلای همکاری و هماهنگی بین سازمانهای دولتی و میان این سازمانها و مردم دست‌اندرکار توسعه حوزه آبخیز حبله‌رود
- ایجاد نظام‌های کارا و مطلوب برای پایش و ارزشیابی مدیریت منابع و توسعه پایدار

مراحل اجرای پروژه

مراحل اجرایی پروژه در سه فاز یکساله به شرح زیر تقسیم‌بندی و برنامه‌ریزی گردید:

فاز اول

در این مرحله به راه‌اندازی و اقدامات پایه‌ای شامل تعیین سیاستها و خطوط اصلی کار، سازمان اجرایی و شرح خدمات مطالعات منابع و آماده‌سازی نیروی انسانی پرداخت شد.

فاز دوم

عمده‌ترین فعالیتهای انجام گرفته در این مرحله زمینه‌سازی و آغاز عملیات مشارکت مردمی و پایش می‌باشد. در این راستا اقدامات انتخاب روستاهای پیشاهنگ، تشکیل گروه‌های روستایی، تشکیل کارگاههای آموزشی - برنامه‌ریزی جهت همیاران توسعه روستا، تشکیل کارگاههای روشهای مشارکت و ارزیابی روستایی (PRA) جهت مدیران و کارشناسان، تعیین گروههای هماهنگی با مشارکت مدیران، کارشناسان و همیاران توسعه،

بازدید از مزارع نمونه در نقاط مختلف کشور، اجرای میدانی ارزیابی مشارکت مدارانه در روستا توسط همیاران توسعه، تشکیل کارگاههای تخصصی برای کارشناسان و روستائیان، تشکیل کارگاههای برنامه‌ریزی - تلفیقی مدیران و کارشناسان و همیاران توسعه، برقراری هماهنگی بین دستگاههای مختلف اجرایی و تکمیل مطالعات توجیهی و تفصیلی - اجرایی و آغاز عملیات اجرایی پایش، تقویت نظامهای روستایی، ایجاد تشکلهای و نظامهای مالی و اداری در روستاها، طراحی و انتخاب و تجهیز ایستگاههای هواشناسی، هیدرومتری، رسوب سنجی

فاز سوم

در این مرحله تکمیل عملیات اجرایی، مستندسازی الگوها و تهیه طرح اقدام ملی برنامه ریزی شده بود. باتوجه به زمینه‌سازی انجام شده و انجام چند پروژه نمونه مشارکتی، در این مرحله مقرر بود تا اقدامات اجرایی بصورت گسترده و در سطح وسیع آغاز شود و در طول مدت اجرای طرح، حداقل در پنج روستای نمونه خاتمه می‌یابد. مهمترین برنامه‌های این فاز عبارت بودند از:

- اقدامات اجرایی حداقل در ۵ روستای نمونه
- تحکیم نظامهای اجتماعی و تولیدی و برقراری ارتباطات بین نهادهای غیررسمی ایجاد شده و نهاد و ادارات رسمی موجود، اعم از دولتی و غیردولتی
- انجام عملیات پایش و شروع بهره‌برداری از ایستگاههای اندازه‌گیری در برنامه‌های پایش
- تعمیم و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده و توسعه دستاوردها به نقاط مختلف حوزه و چندین استان کشور
- مستندسازی الگوهای مدیریتی، برنامه‌ریزی، مطالعاتی، اجرایی، بهره‌برداری، تحقیقاتی و پایش و.....

- تهیه برنامه اقدام ملی در زمینه بهره‌برداری پایدار از منابع آب و زمین
- انتشار دستاوردها در سطح ملی و منطقه‌ای از طریق برگزاری سمینار ملی و منطقه‌ای

زنان و بخش شمالی پروژه حبله‌رود

پروژه ملی حبله‌رود با انتخاب همیاران مرد و زن که می‌بایست توسط روستائیان صورت گیرد ولی در واقع زیر نفوذ کامل بخش ترویج شهرستان انجام گرفت، در سال ۱۳۷۷ فعالیت اجرایی را در ۸ روستا آغاز نمود. پس از انتخاب، همیاران در یک کارگاه

آموزشی ۲۸ روزه در شهرستان دماوند شرکت نموده و با روشها، فنون و ابزارهای مشارکت روستایی از قبیل مشکل یابی، طبقه بندی مشکلات، اولویت بندی، درخت مشکلات، نقشه روستا و ... آشنا شدند. سپس آنان بعنوان تسهیلگران روستا به روستاهای خود بازگشته و آموخته های خود را با جوامع خود به تجربه گذاردند.

بدلیل تجربه جدید حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی عمومی روستا، حضور زنان ابتدا بسیار کم رنگ بود، اما رفته رفته شکل منسجم تری به خود گرفت و گاه حضور آنان با مشکلات فراوانی از جمله مخالفت پدر، همسر و یا برادران روبرو می گردید گاه حتی مردان غیر خانواده نیز مشکلاتی را در جهت حضور آنان ایجاد می نمودند که ذکر این مسایل در این مقاله نمی گنجد.

طول برگزاری این کارگاهها در روستاهای مختلف متفاوت بود. در برخی از روستاها سه ماه و در برخی دیگر یک سال به طول انجامید. لازم به ذکر است که در هر روستا حداقل یک تسهیلگر مرد مسئول پیگیری امور آن روستا گردید در حالی که در هیچ یک از شهرستانها و استانها برای اداره و پیگیری کارگاههای زنان تسهیلگر زن وجود نداشت. لذا نادیده گرفتن فعالیتهای زنان و پیگیری مسایل آنان از سوی تسهیلگران مرد یک امر کاملاً قابل پیش بینی بود. در اینجا به طور خلاصه به توضیح روند فعالیت زنان در هریک از روستاهای طرح می پردازیم.

- روستای آرو

زنان این روستا علیرغم مشکلات اجتماعی زیاد از فعالترین گروههای موجود در این پروژه بودند تا آنجا که اولین طرح به اجرا رسیده در پروژه ملی حبله رود طرح تهیه رشته و نشاسته مربوط به زنان آرو بود. گروهی از آنان در یک اقدام سریع و غافلگیرانه طرح را نوشته و بدون درخواست کوچکترین چشم داشت مادی طرح خود را به اجرا رساندند. برای خرید دستگاه رشته بری دو نماینده از آنان شخصا به تهران آمدند و این در حالی بود که پس از خرید دستگاه از بازار تهران راه بازگشت به روستا را نمی دانستند. اما این اقدام حرکت آنان را جهت پیگیری امور خود در خارج از روستا تسهیل نمود به طوری که آنان جهت فروش محصولات خود به روستاهای مجاور و شهرهای اطراف نیز مراجعه نموده و بازار مناسبی جهت عرضه پیدا نمودند. در این طرح دورنمای زیبایی از کسب استقلال در تامین مواد اولیه با کشت گندم در دیمزارهای رها شده دیده شده بود. اما متأسفانه این

گروه برای کسب مجوز بهداشت، در کش و قوس و بروکراسیهای اداری و نیز قانون کاملاً جدید ممنوعیت استقرار صنایع در فاصله ۱۲۰ کیلومتری تهران برای همیشه ناکام ماند. زنان این روستا طرحهای دیگری نیز ارائه نمودند که طرح آموزش خیاطی آن در مرحله مقدماتی و تکمیلی با حداقل هزینه (آموزش تکمیلی با هزینه ۱۰۰ هزار تومان) به اجرا گذارده شد. پس از آنان گروهی از زنان جهت ایجاد یک کارگاه خیاطی در روستا تلاش نمودند که آن هم به دلیل نداشتن تجربه کار با چرخهای صنعتی و نداشتن این نوع از چرخهای خیاطی و هزینه بالای تهیه آن، نداشتن مکان جهت ایجاد کارگاه و ناتوانی در شناسایی و برقراری ارتباط با تولیدکنندگان پوشاک هرگز به اجرا نرسید. گرچه تعدادی از آنان قادر به تولید پوشاک خانواده خود شدند.

این روستا دارای زنان ماهر زیادی در زمینه قالببافی بود اما بدلیل تجربه تلخ آنان در دریافت مواد اولیه قالبی از جهاد و صرف وقت و هزینه زیاد جهت بافت آن و در نهایت عدم توان در فروش آن، از اجرای هر گونه طرح قالببافی بیزار بودند. از طرفی با وجود شرایط نابسامان کشور در بازار فرش و از دست دادن پایگاههای جهانی فرش ایران آغاز نمودن چنین طرحی برای باقیمانده علاقمندان این کار، آینده نامشخصی داشت. اما از مزایای حضور طرح حبله رود در این روستا در خصوص زنان، هموار شدن راه برای ادامه تحصیل دختران این روستا بود که تا آن زمان به شدت با این مسئله مخالفت می شد و سواد تقریباً تمامی دختران جوان تا کلاس پنجم ابتدایی بود چرا که برای ادامه تحصیل باید به خارج از روستا می رفتند. اما خود آنان اعتقاد دارند که حضور طرح و دیدن زنان دیگری که با عنوان تسهیلگر و یا بازدید کننده در روستا رفت و آمد می کردند زمینه را برای ادامه تحصیل دختران هموار نمود.

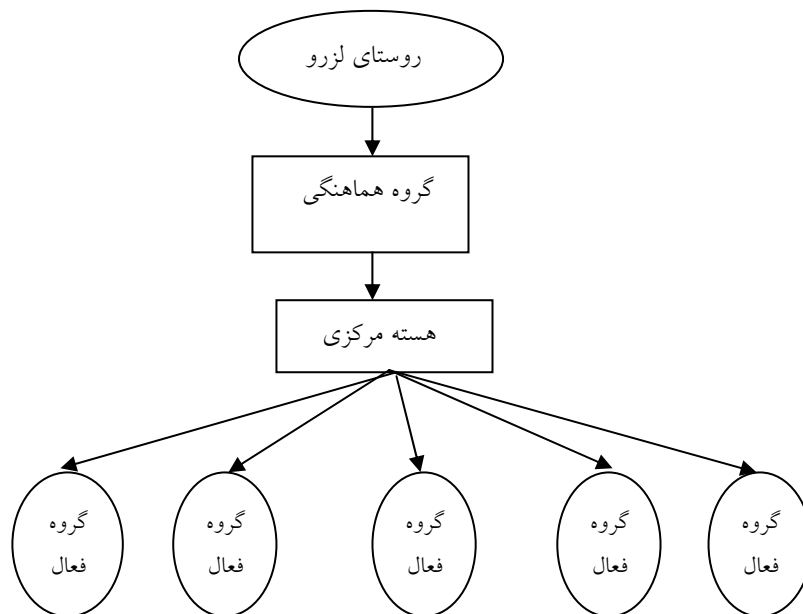
- روستای حصاربن

مشکلات عنوان شده توسط زنان این روستا نیز اغلب مشکلات عمومی روستا بود. اما طرحهای پیشنهادی زنان این روستا مانند تمام روستاهای دیگر خیاطی، قلاب بافی و طرحهای مشابه (همراه با طرحهایی از قبیل جمع آوری گیاهان دارویی، پرورش قارچ، استخر پرورش ماهی) بود که خود نشان از عدم اعتماد به نفس آنان، و تعریف نقش کلیشه ای از سوی جامعه برای زنان است. گاهی نیز این امر ناشی از مسئولیتهای فراوان زنان در خانواده و یا مخالفت مردان خانواده برای حضور زنان می باشد.

در این روستا نیز آموزش خیاطی با همت زنان به اجرا گذارده شد و برای اولین بار تمامی موارد مورد نیاز این آموزش که توسط ترویج تامین می شد توسط مردم تامین گردید و بدین ترتیب هزینه اجرای این دوره بسیار پایین تر از میانگین بود.

- روستای لزور

در روستای لزور برگزاری این کارگاهها به تشکیل دو گروه به نامهای گروه هماهنگی و هسته مرکزی منجر گردید. گروه اول شامل ۷۸ نفر (۱۵ زن و ۶۳ مرد) نمایندگان محله‌های روستا و گروه دوم شامل ۷ نفر (۵ مرد و ۲ زن) به نمایندگی از گروه هماهنگی شکل گرفت که در واقع بازوی اجرایی شورای هماهنگی محسوب می‌شود. در پایان این دوره از کارگاهها طرحهای متعددی در زمینه‌های آبخیزداری، کشاورزی، فرهنگی و ... توسط روستاییان ارائه گردید.



چارت گروههای شکل گرفته در روستای لزور

در کارگاهها بسیاری از مشکلاتی که از سوی زنان عنوان می‌شد مربوط به کل روستا و تعدادی نیز مختص به جامعه زنان بود. در طرحهای اجرایی ارائه شده از سوی زنان اغلب کلیشه‌های زنانه (مانند خیاطی، قلاب‌بافی و ...) و برخی نیز برخاسته از فرهنگ و دانش بومی موجود در ارتباط با منابع (جاجیم‌بافی، پرورش مرغ بومی و تکثیر گونه‌های باارزش گیاهان دارویی و ...) بود.

در ادامه طرحهای ارائه شده توسط روستاییان باتوجه به ضرورتها و امکانات موجود و با پیشنهادات و نظرات جامعه محلی اولویت‌بندی شد و اولویت اول به طرح آب‌بند سیاه‌رود برای استفاده بهینه از آب رودخانه‌ای به همین نام و دومین اولویت به طرح کنترل سیل تارینزا جهت جلوگیری از سیل سالانه این منطقه اختصاص یافت. اما به دلیل وقوع سیل شدیدی در سال ۷۸ بالادست روستا و وارد آمدن خسارات فراوان به زمینهای کشاورزی و منازل روستا این اولویتها از سوی مردم به طرح کنترل سیل و رسوب منطقه کشرز تغییر یافت. این سیل هر ساله خساراتی را به روستا وارد می‌نمود و سیل سال ۷۸ شدت بیشتری نسبت به سالهای پیش داشت.

لذا طرح کنترل سیل کشرز بعنوان اولین طرح توسط جامعه محلی نوشته شده و ارائه گردید. نقشه منطقه توسط آنان تهیه گردیده و جانمایی گابیونها، خشکه‌چین‌ها، تراس‌بندی و ... نیز در آن مشخص گردید. سپس طرح توسط کارشناسان بررسی گردیده و اصلاحات لازم بر روی آن انجام گرفت.

طرح از دو بخش بیولوژیکی و مکانیکی تشکیل شده بود. در جلسه‌ای که توسط هسته مرکزی برگزار شد زنان بخش بیولوژیک کار را برعهده گرفتند و پس از طی آموزشهای لازم، این منطقه را با گونه‌های بومی کپه‌کاری و بذریاشی نمودند. جالب آنکه کارشناس ناظر این بخش از بی‌توجهی مردان در مباحث بیولوژیکی گله‌مند بود و عنوان نمود "این اولین باری است که کپه‌کاری با چنین دقت بالایی انجام شده و حداقل میزان هدر رفت بذر را شاهد بوده‌ایم".

عملیات بیولوژیکی:

- کپه‌کاری
- بذریاشی
- نهالکاری

پس از اجرای طرح فوق‌انگیزه زنان برای آغاز طرح‌های دیگر افزایش یافته و نقش جدی‌تری برای خود قایل گردیدند. بنابراین طرح کشت و حفظ گونه‌های گیاهی باارزش دارویی را با شدت بیشتری پیگیری نمودند. ولی از آنجایی که انجام این طرح در شرح وظایف معاونت آبخیزداری نمی‌گنجد اختصاص بودجه را خارج از حیطه وظایف خود می‌دانست. لذا طرح مذکور به منظور استفاده از تسهیلات مالی بین‌المللی به بخش برنامه کمک‌های کوچک از تسهیلات محیط‌زیست جهانی (SGP/GEF) ارائه گردید.

طرح کشت گیاهان دارویی و حفظ مراتع لزوم با مشارکت سازمان‌های دولتی از قبیل معاونت آبخیزداری (بخش پروژه حبله‌رود)، آبخیزداری استان تهران و شهرستان‌های دماوند و فیروزکوه و مرکز تحقیقات خجیر وابسته به جهادکشاورزی در سال ۲۰۰۱ به تصویب SGP رسید.

مرحله اجرایی این طرح با شناسایی و جمع‌آوری گونه‌های دارویی توسط زنان روستا آغاز گردید و با مطالعه شرایط منطقه توسط کارشناسان گونه‌های نعنای فلفلی، زوفا، بابونه و کدو طبعی جهت کشت پیشنهاد گردید. به پیشنهاد زنان قرار شد که این طرح به طور مشترک توسط زنان و مردان اجرا گردد که این امر خود باعث بوجود آمدن مشکلات فراوانی در سال‌های بعد گردید. (چراکه با دخالت فراوان آنان در تصمیم‌گیری‌های مهم و ضروری و عدم پاسخگویی در رابطه با بودجه و درآمد حاصل از فروش محصولات اختلافات زیادی را در گروه بوجود آورد). گرچه در سال اول بدلیل عدم تجربه کشت گونه‌های فوق مشکلات فراوانی پیش روی زنان قرار داشت اما نتیجه کار در رابطه با سه گونه نعنای فلفلی، بابونه و کدو طبعی بسیار رضایت بخش بود به طوری که نعنای فلفلی این منطقه دارای بالاترین اسانس این گونه در استان تهران بود.

زنان در طرح کشت گیاهان دارویی

از بذر و تولیدات گیاهی سال اول طرح برای کشت در سال دوم مورد استفاده قرار گرفت بدینگونه که بذر بابونه در مراتع بذر پاشی و تعداد ۳۵۰۰۰ قلمه نعنای نیز در سال دوم کشت گردید. سالن خشک‌کن و انبار گیاهان دارویی در سال دوم تکمیل گردید و مورد استفاده قرار گرفت و اولین سری از فروش نعنای فلفلی نیز به تحقق پیوست. قرار بر آن بود که سود حاصله از آن در صندوق روستا برای اجرای پروژه‌های عمرانی دیگر مورد استفاده قرار گیرد. در توسعه این طرح، اسانس‌گیری از گونه‌های موجود نیز انجام پذیرفت.

برای حفظ و مدیریت مراتع، یک گروه ۱۱ نفره به نمایندگی از دامداران و بهره‌برداران (از هر مرتع یک نماینده) روستا تشکیل گردید. این گروه در سال اول یک مرتع را قرق نمود و در سال دوم به این دلیل که قرق نه تنها اقتصاد دامداران بهره‌بردار را با مشکل روبرو می‌کند بلکه به تنهایی نمی‌تواند ضامن بقا و پایداری کار باشد، برنامه‌ریزی جامع در خصوص بهره‌برداری از مراتع را در دستور کار قرار داد. در این راستا کارگاه‌های برنامه‌ریزی برای شناخت، غنی‌سازی و استفاده معقول از مراتع توسط بهره‌برداران و کارشناسان صورت گرفت. اما بدلیل وجود مشکلات فراوان اداری و عرفی میان مراتع این امر محقق نگردید.

عملیات انجام شده در پروژه گیاهان دارویی

کشت بابونه
کشت زوفا
کشت نعناع فلفلی
کشت کدو طبعی
بذرپاشی بابونه در مراتع
قرق یک مرتع
مدیریت و برنامه ریزی یک مرتع
احداث ساخت سالن خشک کن

در سال دوم طرح حضور این گروه در نمایشگاه‌های گل و گیاه و گیاهان دارویی در نقاط مختلف کشور ارتباط آنان را با بازار فروش بطور مستقیم برقرار کرد که ضمن کسب تجربه بسیار ارزشمند برای روستاییان به ویژه زنان باعث افزایش درآمد آنان در این زمینه گردید.

بالاخره پس از بوجود آمدن اختلافات فراوان بخشی از گروه فعال کار خود را به صورت مستقل و با عنوان تعاونی آغاز کرد. در حال حاضر این گروه زمینی را اجاره نموده و به کشت گونه های سابق و تحقیق در خصوص انواع جدید گیاهان پرداخته است. ضمناً مکانی را جهت عرقگیری و فروش محصولات خود نیز اجاره نموده است. گرچه زمین

عمومی روستا به طور کامل از بین رفته و در حال حاضر هیچگونه فعالیت عمومی در آن انجام نمی شود لیکن بوجود آمدن یک گروه مستقل خود باعث پایداری طرح خواهد بود.

نظر زنان لزور در مورد مشکلات آنان در پروژه حبله رود از ابتدا تا کنون (در این بخش سعی شده گفته های زنان با رعایت امانت آورده شود).

- آنان مطمئن به درآمد زایی نبودند و به بخاطر همین نمی آمدند.
- اول آقایان با حضور ما مخالفت می کردند و یا خودشان در جمع ما حاضر نمی شدند ولی حالا شرایط بهتر شده است.
- اول خانمها در تصمیم گیریها نبودند و یا خودشان می گفتند که ما نمی توانیم.
- بعد از ۶ سال حالا دیگر در جلسات عمومی نیستیم. مقصر اصلی خودمان بودیم اگر گروه می شدیم می توانستیم.
- اگر فامیلها را بیاوریم مردم حرف می زنند و اگر سراغ بقیه برویم آنها حمایت نمی کنند پس مجبوریم از خانواده و فامیل شروع کنیم.
- جناح بازیهای سیاسی قاطی کار ما می شود در حالی که ما اصلا کار سیاسی نمی کنیم.
- ما در گروه هسته مرکزی بودیم ولی آقایان با ما همکاری نمی کردند و ما سرد شدیم.
- هسته مرکزی هنوز همدیگر را باور نکردند و اهداف آنها برای یکدیگر نامشخص بود.
- به جز پروژه گیاهان دارویی در پروژه های دیگر هم ابتدا در کارها حضور داشتیم ابتدا خودشان هم مشوق بودند (مردها) ولی بعد دیگر نه نظرخواهی و نه دخالت زنان وجود نداشت.
- طرحها اگر به طور خصوصی انجام شود و از حالت عمومی خارج شود بهتر است.
- طرحهای زنان با مردها مشترک نباشد.
- کارشناس مرد به تنهایی نمی تواند کار زنان را انجام دهد باید زن باشد.
- با کمک ترویج می توان طرحهای زیادی را راه اندازی کرد.

- بعضی زنها که در طرح بودند و خواندن و نوشتن هم بلد نبودند به خاطر طرح شروع به یاد گرفتن سواد کردند، بعضی ها درشان را ادامه دادند و بعضی هم رفتند دانشگاه.
- قبل از این طرح سعی می کردم از روستا هر طوری شده بروم بیرون ولی حالا حاضر نیستم اینجا را ترک کنم با وجودی که مشکلات زیادی است.
- اول همسران و پدران ما مخالف کار زنان بودند ولی حالا شرایط خیلی بهتر است.
- یک گروه از زنها را ما آموزش دادیم که چطور گیاهان مرتعی را برداشت کنند (تا نبود نشود) ولی برداشتهای نامناسب هنوز هم از طرف مردم روستا انجام می شود.
- ما می خواهیم گروه گروه به مردم آموزش بدهیم تا همه آگاه شوند که چطور برداشت گیاهان مرتعی را درست انجام دهند.
- دو دوره آموزشی نحوه برداشت و زمان برداشت گیاهان مرتعی در روستای اهنز و شادمهن برگزار کردیم.
- در تصمیم گیرهای زندگی مان تاثیر گذاشته است.
- من همیشه با همسرم درگیر بودم که از روستا برویم ولی حالا دیگر نمی خواهم.
- حالا به روستایی بودنمان افتخار می کنیم دیگران را هم تشویق می کنیم.
- کمک کرد یاد بگیریم چگونه در مقابل مشکلات استقامت کنیم و صبر کنیم.
- به ما جرات داده که بتوانیم به عملکرد ضعیف و بد مردان انتقاد کنیم.

دستاوردهای پروژه حبله رود و گیاهان دارویی SGP در روستای لزور

- وارد شدن زنان به عرصه اجتماعی
- تلاش زنان جهت دخالت در تصمیم گیریهای عمومی روستا
- توسعه دیدگاه جامعه محلی نسبت به امکان استفاده از سایر منابع
- تشکیل گروه فعال زنان در رابطه با طرح گیاهان دارویی
- پذیرش اجتماعی برای حضور زنان و تثبیت آنان در فعالیتهای مختلف
- انتخاب مسئول زن در طرح گیاهان دارویی برای اولین بار در روستا
- ایجاد علاقه و اعتماد بنفس برای اجرای طرحهای دیگر در زنان
- پذیرش زنان در نهادهای تصمیم گیری روستا
- افزایش درآمد مستقیم برای بخشی از جامعه زنان و مردان

- افزایش درآمد غیرمستقیم برای کل روستا
- ایجاد صندوق مالی برای مدیریت پروژه‌های روستایی
- استفاده از زمینهای رها شده برای کشت گیاهان دارویی
- غنی سازی مراتع توسط بذریاشی و کپه‌کاری
- ساخت سالن خشک‌کن و انبار گیاهان دارویی
- برقراری ارتباط مستقیم روستا با بازار فروش گیاهان دارویی

پیشنهادات و توصیه‌ها

بیش از ۹ سال از تولد پروژه حبله‌رود می‌گذرد و این پروژه با تمام دستاوردهای مثبت و منفی خود هنوز با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبانگیر است. گاه بنظر می‌رسد که کوچکترین حرکت به سوی توسعه در این پروژه جز یک آرزو و خیال نیست. فضاهای سازمانی و غول بوروکراسی با پیچیدگی‌های خاص اداری کشور ما، قادر به همراهی با پروژه‌هایی با ماهیت مردمی نیستند. بنابراین انجام چنین پروژه‌هایی شرایطی را می‌طلبد که تجربه حبله‌رود آنها را مشخص‌تر نموده است. واقعیت این است که دستاوردهای بدست آمده در لزور به ویژه در زمینه زنان مدیون همکاری بخش تسهیلات کوچک جف سازمان ملل (SGP) می‌باشد چراکه در مراحل اولیه هر کار مشارکتی اگر مشارکت روستاییان بدون پاسخ بماند پس از اندک زمانی به خاموشی خواهد گرایید. و بدبینی آنان به دستگاههای دولتی و کارشناسان بیش از پیش خواهد شد. لذا در انجام پروژه‌هایی با محوریت مشارکت مردم پیشنهاد می‌شود نکاتی مورد توجه قرار گیرد. این نکات در دو زمینه ستادی (سازمانی - اداری) و تعامل با مردم قابل تامل هستند.

مباحث ستادی (سازمانی - اداری)

- انجام پروژه‌های مشارکتی در سطوح بالای ساختار اداری همواره آن را با مشکل و تشویش فراوان روبرو می‌سازد. ماهیت مشارکت مردم با روش و شاخصهای عملکرد سازمانهای دولتی در تضاد است.
- لزوم آموزش مدیران دولتی با رهیافت مشارکت مردمی و تشریح جایگاه آنان در این نوع برنامه‌ریزی، چراکه بسیاری از مقاومتها ناشی از دیدگاه از دست دادن جایگاه افراد است.

- آموزش کارشناسان با روشهای مشارکت مدارانه و تشریح مزیت‌های این روش.
- لزوم آموزش مدیران و کارشناسان در خصوص لحاظ نمودن زنان در توسعه و برنامه ریزیهای مربوط به آن.
- لزوم تربیت و به کارگیری تسهیلگران زن.
- لزوم مشخص شدن سهم بودجه برای پروژه‌های زنان (چراکه حتی یک طرح هم با هزینه پروژه حبله رود برای زنان به انجام نرسید در حالی که یکی از اهداف ذکر شده در پروژه توجه خاص به این قشر بود).
- آزادی عمل کارشناسان برای همراه شدن با روشهای مشارکت مدارانه
- مشخص نمودن جایگاه کارشناسان در این نوع برنامه‌ریزی
- دخالت دادن واقعی بخشهای مختلف سازمانهای اداری مرتبط با پروژه بطوریکه آنان پروژه را متعلق به خود بدانند.
- عدم شناخت استانها نسبت به مسایل و مشکلات موجود در بخشهای ستادی موجب جبهه گیری آنان نسبت به این بخشها و بوجود آمدن مشکلات تعاملی است.
- سوق دادن برنامه‌ریزیهای دولتی به برنامه‌ریزی پایین به بالا و براساس نیازهای مردمی
- تخصیص بودجه‌ها براساس شرایط اقلیمی و کاری مناطق
- تغییر ساختار مالی - اداری در هزینه‌کردهای طرحهای مردمی و متعادل شدن این ساختار با روشهای مردمی
- آموزش نیروهای متخصص تسهیلگر برای یاری رساندن به بخشهای مختلف سازمانهای دولتی
- آموزش نوشتن؛ چرا که مستندسازی هر لحظه کمک به برنامه‌ریزیهای روشنتر و عملی‌تر می‌نماید.
- آموزش پایش و ارزشیابی پروژه‌ها بطور مستمر
- تغییر شاخصهای ارزیابی عملکرد پروژه‌های و تطبیق این روشها با روشهای مشارکت مدارانه
- حذف کانونهای متعدد تصمیم‌گیری
- هماهنگ بودن مسئولیتها با اختیارات
- سپردن کار به دست مدیران آشنا و معتقد به مشارکت و عدم تغییر مداوم این مدیرینتها

تعامل با مردم

- قبل از ورود به جامعه محلی باید بدانیم که هر جامعه‌ای آداب و رسوم مختص به خود را دارد و نباید با موضع رویارویی نسبت به این سنن وارد آن جامعه شد. تغییرات اجتماعی به کندی رخ می‌دهند و نهادینه شدن آن باعث پایداری این تغییرات است. مانند ورود زنان به عرصه فعالیت‌های اجتماعی
- در کار با مردم باید به خاطر داشته باشیم که نگرش مردم به کارشناسان دولت چندان خوشبینانه نبوده و ممکن است با عدم اعتماد آنان روبرو شویم. که این مسئله ناشی از عملکرد چندین ساله کارشناسان است.
- اولین قدم در جلب همکاری مردم بدست آوردن اعتماد آنان نسبت به تسهیلاتگران است و این امر جز در سایه صبر و صداقت بدست نخواهد آمد.
- یکی از سخت‌ترین کارها برای کارشناسان این است که بیشتر بشنوند تا بگویند بنابراین این مهم خصوصا در ارتباط با کار مردمی باید به کارشناسان آموزش داده شود.
- مردم هر منطقه مطابق با شرایط زندگی خود تجربیات باارزشی در زمینه‌های مختلف کسب می‌کنند استفاده از این دانش و تجربیات و ارج نهادن به آنها اعتماد آنان را برای همکاری افزایش می‌دهد.
- استفاده از نظرات و دانش مردم به منزله حذف نظرات علمی و کارشناسی نیست بلکه چگونگی تلفیق این دو بخش و زمان ارائه این نظرات است که تعیین کننده می‌باشد.
- ارائه زودرس نظرات کارشناسی باعث عقب‌نشینی مردم درگیر خواهد شد چراکه علاوه بر مسدود کردن خلاقیت آنان، پیامی را که سالها آنان دریافت داشته‌اند تقویت خواهد نمود "برای رسیدن هر چه سریعتر به مقصود هر آنچه را که آنان می‌گویند بپذیر."
- مردم غالبا به دنبال آزمون افراد بیرونی هستند. بنابراین در کار مشارکتی کارشناسان و یا تسهیلاتگران باید بیش از پیش مراقب گفتار و اعمال خویش باشند.
- انجام یک طرح و یا کار اجرایی که از نیازهای مردم برخاسته است نه تنها اعتماد جامعه محلی را نسبت به این نوع برنامه‌ریزی افزایش می‌دهد بلکه آنان را در چالش‌های جدیدی قرار می‌دهد تا نظام تصمیم‌گیری، اجرا، گروه‌های مختلف مردمی و ... جایگاه خود را بیابد.

- برای ظرفیت سازی و ورود زنان به عرصه های اجتماعی استفاده از کارشناسان و تسهیلگران زن اجتناب ناپذیر است واقعت آن است که هنوز تسهیلگران مرد اعتقادی به نقش، حضور و پیگیری مسائل زنان ندارند.
- اجرای یک پروژه مربوط به زنان اعتماد بنفس و انگیزه آنان را برای حضور در فعالیتهای مختلف افزایش داده و جایگاه اجتماعی آنان را در جامعه تثبیت می نماید.
- در پروژه های زنان تصمیم گیریها، اجرا، مسئولیتهای مالی پروژه برعهده خودشان قرار داده شود چراکه در شرایط فعلی گروههای مردان هرگز به گروههای زنان پاسخگو نیستند.
- باید دقت نمود تا عملکرد تسهیلگر باعث تقویت یک فرد و گروه و عقب نشینی عدهای دیگر نشود و بدین منظور باید تقسیم وظایف در گروه انجام گیرد و همه به فراخور توانایی خود مسئولیتی بر عهده داشته باشند.
- تلاش شود امکان کسب تجربه های نو برای افراد همواره فراهم باشد.
- اطلاع رسانی به جامعه محلی از بنیادی ترین اصول کار است چرا که جامعه را قادر خواهد ساخت در بازخورد نسبت به امور و تصمیم گیریهای خود به درستی عمل کند.
- ثبت مراحل انجام کار از ابتدا باعث می شود پس از مدتی بتوان به نقطه آغاز رجوع کرد و میزان پیشرفت کار همواره قابل اندازه گیری باشد.
- بسیاری از روستاها بدلیل مشخص نبودن برنامه پروژه در رابطه با زنان با عدم همکاری آنان روبرو شد.
- و بالاخره به یاد داشته باشیم که مسایل اجتماعی هرگز پایان نخواهند یافت و حل بخشی از آن چالش جدیدی را بوجود خواهد آورد که احتمالاً از مسایل گذشته بزرگتر خواهند بود ولیکن این مسئله را باید به فال نیک گرفت چرا که مسایل جدید و چالشهای جدیدتر در جهت رشد و توسعه جامعه خواهد بود و جامعه خود در حل آن اقدام خواهد کرد.

منابع

۱. گزارشی پیرامون پروژه آبخیزداری حبله‌رود - دفتر پروژه حبله‌رود
۲. سند پروژه آبخیزداری
۳. پروژه آبخیزداری - دفتر پروژه حبله‌رود